

دخالت در مسائل داخلی کشورها از **درباز‌باز مورد نفرت و اعتراض مردم و مسئولین** این کشورها **قرار می‌گرفته** و **استثناپذیر نیز نبوده‌است**، چه **کشورهای ضعیف** و چه **ابرقدرت‌ها** تا جایی که **توان داشته** و می‌توانند از **دخالت بیگانگان** به هر تعبیری در **امور داخلی خود** جلوگیری می‌کنند و **انتخابات** پدیدهی **ترین** **مصدق** از **امور داخلی** یک کشور است که می‌توان به آن پرداخت. انتخابات **درباز** در **۸۸** از **ایران** **نیز** از این **قاعده** مستثنی نبوده و پدیدهی است که انتخابات **دهمین دوره** ریاست جمهوری نیز **امری داخلی** بوده و به هیچ **ریزقدرت** و **ابرقدرت**ی مربوط نبوده که چه کسی در **ایران** از **سوی** ملت **ایران** به **قوه** مجریه **راه** می‌یابد و یا چه کسی شکست می‌خورد و در **خانه** می‌نشیند و …

با این وجود بیگانگان همواره منافع خود را در **امور داخلی** کشورهای دیگر جست و جو می‌کنند، گروهی برای رسیدن به **منافع دنیسوی** تحت‌الحمایه بیگانگان **قرار می‌گیرند** و **منافع قدرت‌ها** را در **وطن خود** پی می‌گیرند.

گفته می‌شود که **نوشتر** **قصد** آن را **نداریم** که به **بررسی** **دخالت** **مثلت** **حیثیت** **آمریکا**، **انگلیس** و **اسرائیل** در **فتنه** **۸۸** **پرویزایم** که **امری** **پدیدهی** و **روشن** است بلکه **مراه** در این **نوشتر** **بررسی** **اعترافات** **یکی** از **مسئولین** سابق سازمان **جاسوسی** **آمریکا** (**سیا**) است که **وی** در این **اعترافات** خود که در **کتاب** **خاطرات** نامبرده منتشر شده به **صراحت** از **دخالت** **آمریکا** در **امور داخلی** کشور**های** **مختلف** **سخن** گفته است.

این **خاطرات** که در **آمریکا** منتشر و در **کشورمان** نیز **ترجمه** و **بازنشر** شده **راه** را **بر** کسانی که **منکر** **دخالت** **بیگانگان** در این **مسائل** می‌شوند می‌بندد هر چند که **نمی‌توان** کسانی که **خود** را به **خواب** **زدانان** **بیدار** کرد!

پنهانکاری و دموکراسی!

استانسفیلد ترتر یکی از سران سیا است که اتفاقا همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی و در دولت کارتر عهده‌دار این سمت بوده است.

تاکنون از وی دو جلد کتاب در ایران و به همت انتشارات موسسه

اطلاعات ترجمه و منتشر شده است .

«پنهانکاری و دموکراسی» و «پیش از خواندن بسوزانید» که دو کتابی هستند که ترتر در آنها تجربیات خود را در اختیار مخاطبان قرار داده است و جالب است بدانید که نوشته‌های سران و یا مامورین سیا پیش از انتشار، ده‌ها بار توسط مسیحین این سازمان خوانده، وپوش و سانسور می‌شوند تا احیاناً مواردی که نباید درز یابند و یا افکار عمومی از آن اطلاع داشته باشند در این خاطرات منتشر شوند.

ترتر در مقدمه کتاب «پنهانکاری و دموکراسی» خود به این مسئله به

<p>❖ شیوه‌های گوناگون مداخلات آمریکا در ایران که در فتنه ۸۸، پیش و پس از آن آزموده شد و مدد وجود رهبری فرزانه، مدیر و مدبر با شکست مواجه ششد و اگر نبود راهبریی‌های ولایت امری که نماینده امام زمان بوده و حجت مومنین، بی‌شک دشمنان در اهداف خود چنان که در بسیاری نقاط پیروز گشته‌اند با موفقیت مواجه می‌شدند.</p>
--

خوبیی اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد که چگونه خاطراتش این مراحل را طی کرده است.

ترتر در کتاب «پنهانکاری و دموکراسی» به نمونه‌های عینی از سیاست دخالت آمریکا در کشورهای مختلف از ایران گرفته تا شیلی و برخی کشورهای امریکای لاتین و حتی اروپای به اصطلاح آزاد اشاره می‌کند. در این نوشتار خواهیم کوشید به برخی از این مصادیق به نقل از کتاب ترتر بپردازیم.

عملیات پنهانی؛ حبله‌های کثیف

ترنر در کتاب خود عملیات پنهانی و یا به عبارت دیگر «سیاست مداخله» آمریکا را چنین تعریف و تشریح می‌کند: «کوشش‌های ما برای تأثیرگذاری بر روند حوادث در یک کشور خارجی، بدون آن که جای پای خودمان باقی بماند، توسط بخش «عملیات پنهانی» طراحی و به اجرا در می‌آید. این نوع عملیات گرچه به کلی با امور جاسوسی- که مربوط به جمع‌آوری و ارزیابی اطلاعات از کشورهای دیگر است - تفاوت دارد، ولی انجام آن را غالباً به «سیا» محول می‌کنند، زیرا تنها سازمان «سیا» است که می‌تواند عملی را بدون جنجال تبلیغاتی، با حداکثر پنهانکاری سیاسی، و سازماندهی شبه‌نظامی مخفی به اجرا درآورد.»

وی در تشریح تاریخچه این سیاست نیز می‌نویسد: «موقعی که در سال ۱۹۴۷ سازمان «سیا» تأسیس شد، در مذاکرات کنگره هنگام تصویب اساسنامه سازمان هیچ محتبیتی راجع به اجرای عملیات پنهانی توسط «سیا» به میان نیامد. و با اینکه همه به یادداشتند «سیا» در بسیاری موارد جانشین همان سازمان (ا.اس. اس) جنگ جهانی دوم خواهد بود معیناً امکان ادامه عملیات پنهانی را توسط «سیا» نادیده گرفتند. ولی در دسامبر همان سال بلافاصله پس از آنکه «سازمان امنیت ملی آمریکا» مسئولیت انجام «عملیات روانی مخفی» را بر عهده «سیا» واگذاشت، وروازه ورود به میدان «عملیات پنهانی» نیز روی «سیا» گشوده شد و «سیا» در این راستا به قدری سریع پیش رفت که در سال ۱۹۵۳ انواع عملیات پنهانی را به صورت امور تبلیغاتی و تأثیرگذاری بر مسائل سیاسی و نظامی ۴۷ کشور جهان در دست اجرا داشت و این در حالی بود که در این زمان تعداد اعضای سازمان ملل متحد حتی به ۲۰ کشور هم نمی‌رسید.»

عملیات پنهانی و یا سیاست نفوذ آمریکا در این برهه نزدیک ۵۰ کشور از ۷۰ کشور عضو سازمان ملل را در بر می‌گرفت و سازمان سیا در این کشورها برای پیروزی سیاست‌های آمریکا برنامه‌های متنوع و پنهانی را پی می‌گرفت.

ترتر افزایش روزافزون عملیات پنهانی سیا در کشورهای جهان را در کتاب خاطرات خود مورد تأیید قرار داده و می‌نویسد: «چند سال بعد تعداد عملیات پنهانی «سیا» در کشورهای جهان به چند هزار مورد رسید که البته اکثر آنها را نیز اقداماتی نه چندان چشمگیر و تهورآمیز به صورت بی‌التا انتشار مقاله در یک نشریه خارجی برای اثبات کردن تبلیغات کمونیست‌ها، یا خریدن یک شخصیت بانفوذ (به امید آنکه در عملیات پنهانی آینده مورد بهره‌برداری قرار گیرد) تشکیل می‌داد.»

البته ترتر برای توجیه این اقدامات دست به سیاستی همیشگی می‌زند و به تخریب کسان و یا گروه‌هایی می‌پردازد که در کشورهای مبدأ علیه آنان تبلیغات گسترده صورت گرفته بود. او را کمونیست می‌نامد و می‌خواند که سیاستی که شاه نیز علیه انقلابیون به کار برده بود و هر کسی ندای مخالف

سر می‌داد او را با وصف ناموزن مارکسیست اسلامی می‌گوید!

از این رو است که ترتر هدف از عملیات پنهانی سیا را چنین توصیف و تشریح می‌کند: «در ابتدای کار هدف عمده از اقدامات تبلیغی پنهان و کسب حمایت سیاستمداران، کوششی بود برای استقرار پایه‌های دموکراسی در کشورهای اروپای غربی به خاطر جلوگیری از فشار فزاینده کمونیسم در دوران پس از جنگ جهانی دوم.»

کمک مالی آمریکا به تحت‌الحمایه‌های غرب!

مداخله در امور داخلی کشورها از طریق کمک‌های مالی به گروه‌های همسو با آمریکا همواره یکی از روش‌های راهگشا بوده است که آمریکا امروز نیز از آن بهره می‌گیرد، روشی که ابایی ندارند از آن سخن بگویند و یا گیرندگان این کمک‌ها را نیز افشا کنند.

رئیس اسبق سیا در این راستا می‌نویسد: «در این راه از سوی «سیا» کمک‌های مالی نیز در اختیار اتحادیه‌های کارگری ضد کمونیست، احزاب سیاسی، گروه‌های دانشجویی، سازمان‌های فرهنگی و مطبوعات قرار می‌گرفت، تا در مقابل فشارهای نفوذی کمونیست‌ها تاب بیاورند.

و همچنین توصیه‌های لازم به آنها می‌شده، که چگونه زمینه پیروزی کاندیداهای دموکرات را در انتخابات فراهم کنند و یا به چه شکلی به مقابله با فعالیت‌های کمونیست‌ها بپردازند تا بتوانند مثلا جلوی اقداماتی شبیه به راه انداختن اعتصاب را که منجر به تضعیف اقتصاد ملی کشورها می‌شد بگیرند، نتایجی که از این فعالیت‌ها در دو کشور فرانسه و ایتالیا به دست آمد به حد کافی وضایت‌بخش بود و توانست آثار چشمگیری در

گزارشی از مداخلات آمریکا در جهان برای به قدرت رساندن غربگرایان

چرا ایران شیلی نشد؟!



❖ موفقیت عملیات «سیا» در گواتمالا همانند سرنگونی مصدق در ایران به گفته ترتر فقط با کوششی مختصر همراه بود زیرا در گواتمالا هم دولت آن چنان پایگاه ضعیفی داشت که برای سرنگونی‌اش فقط وارد آوردن یک فشار ضعیف کفایت می‌کرد.

❖❖❖

❖ از روز ۲ نوامبر ۱۹۷۰ که آئنده رسماً مقام ریاست جمهوری شیلی را به دست گرفت تا روز کودتا و قتل آئنده «سیا» با داشتنن اختیارات تام از سوی شورای امنیت ملی آمریکا مبلغ ۷میلیون دلار به صورت مردمانه در شیلی برای تبلیغات علیه وی خرج کرد.

کشورهای متحد غرب از خود به جا گذارد، «سیاستمدارانی که قلاذه نمی‌خواهند!» در برخی از کشورهای این کمک‌ها چنان حالت علنی گرفته بود که برخی سیاستمداران وابسته به غرب در هر شهر و منطقه به دنبال ماموران سیا بودند تا با اعلام وفاداری و وابستگی این کمک‌ها را دریافت کنند. ترتر این گونه این سیاستمداران را مورد اشاره قرار می‌دهد: «آن طور که از گزارش کمیته «چرج» (کمیته ویژه کنگره برای تحقیق در امور اطلاعاتی) برمی‌آید، عملیات پنهانی «سیا» در خلال دو دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ تقریباً کلیه سطوح اجتماعی کشورهای محل فعالیت سازمان سیا تحت تأثیر قرار داده بود، تا جایی که طبق تحقیقات این کمیته در یکی از کشورها، سیاستمداران بلندپرواز به طور خودکار به سراغ رئیس پایگاه «سیا» می‌رفتند تا از کمک‌هایش برای پیروزی خود در انتخابات استفاده کنند.»

ترتر به روش دیگر مداخلات آمریکا نیز اشاره می‌کند و می‌گوید که چگونه کمک‌های مالی آمریکا در برخی کشورها به صورت غیرمستقیم و برای شکرانگیز نبودن به مقاصد خود می‌سپودی تصریح می‌کند: «در سال ۱۹۶۷ مجموع مخارج «سیا» برای حمایت از گروه‌ها و سازمان‌های مفید به حال آمریکا در کشورهای خارج بالغ بر سالی ۱۰ میلیون دلار می‌شد و ارقام عده‌ای از این پول نیز در اختیار اتحادیه‌های کارگری، انجمن‌های دانشجویی، و بنیادهای خصوصی داخل خاک آمریکا قرار می‌گرفت تا از طریق آنها به همکاران و همفکرانشان در کشورهای خارجی پرداخت شود که با این اقدام، چون سازمان‌های آمریکایی نقش واسطه بین «سیا» و کشورهای دیگر را به عهده داشتند، لذا سازمان‌های خارجی دریافت‌کننده کمک، در معرض اتهاماتی از قبیل همکاری با «سیا» و یا «عروسک آمریکا» قرار نمی‌گرفتند و نیز استفاده از این روش گاه به «سیا» امکان می‌داد تا بدون نیاز به واسطگی سازمان‌های آمریکایی طوری کمک‌های خود را به کشورهای خارج حواله کند که سازمان‌های دریافت‌کننده پول به هیچ وجه متوجه نشود که تحت حمایت مالی «سیا» قرار دارد.»

ویژه‌نامه حماسه ۹ دی



شخصیتی که چوب اعتمادش به آمریکا را خورد!

ترنر در کتاب خاطرات خود به مصادیق عینی فراوانی در این زمینه اشاره می‌کند.

یکی از این نمونه‌ها ساقط ساختن مصدق و برگرداندن شاه به سلطنت بوده است. در این زمینه باید گفت مصدق پیش از آن که توسط آمریکا ساقط شود به این قدرت شیطانی اعتماد کرده بود و طبیعی است که چوب این اعتماد را بایستی می‌خورد.

ترتر در کتاب خود به عزل مصدق از سوی شاه و آغاز برنامه‌ریزی سیا اشاره کرده و می‌نویسد: «سیا در راه رسیدن به این هدف توانست بازاریان را هم به وسيله رشوه و هم با دلگرمی دادن به خیابان‌ها بکشد و تعداد

❖ استانسفیلد ترنر در کتاب پنهانکاری و دموکراسی: کوشش‌های ما برای تأثیرگذاری بر روند حوادث در یک کشور خارجی، بدون آن که جای پای از خودمان باقی بماند، توسط بخش «عملیات پنهانی» طراحی و به اجرا در می‌آید. این نوع عملیات گرچه به کلی با امور جاسوسی – که مربوط به جمع‌آوری و ارزیابی اطلاعات از کشورهای دیگر است – تفاوت دارد، ولی انجام آن را غالباً به «سیا» محول می‌کنند.

پخش می‌کرد، «آرینز» از سمت خود استعفا کرد و رفت که به دنبال او سرهنگ «آرماس» همراه با نفرات معدودش با هواپیمای به حومه پایتخت آمدند، و از آنجا با حالتی قاتعانه وارد شهر شدند.

موفقیت عملیات «سیا» در این مورد نیز- شبیه ایران به گفته ترنر- فقط با کوششی مختصر همراه بود زیرا در گواتمالا هم دولت آن چنان پایگاه ضعیفی داشت که برای سرنگونی‌اش فقط وارد آوردن یک فشار ضعیف کفایت می‌کرد.

آئنده چگونه سقوط کرد؟!

یکی دیگر از عملیات‌های «سیا» برای به کرسی نشاندن غربگرایان، جریان مداخلات ده‌ساله این سازمان در شیلی بود که به طور مداوم از

سال ۱۹۶۳ تا ۱۹۷۳ ادامه داشت.

فعالیت‌های اولیه «سیا» در شیلی، برای رسیدن به نتیجه مورد نظر آمریکا در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۹۶۴ آن کشور بود که «سیا» به خاطر این هدف، نصف بیشتر هزینه مبارزات انتخاباتی حزب دموکرات مسیحی شیلی را پرداخت تا از این طریق مانع پیروزی «سالوادور آئنده» نامزد مخالف آمریکا در انتخابات ریاست جمهوری شود.

«سیا» علاوه بر کمک مالی به مبارزات انتخاباتی «ادواردو فری» نامزد دموکرات مسیحی انتخابات ریاست جمهوری شیلی مبالغ هنگفتی نیز برای یک سلسله تبلیغات گسترده و پر سر و صدا علیه مخالفینی که کمونیست می‌دانست به صورت چاپ پوستر، پخش برنامه‌های رادیویی، نمایش فیلم، توزیع جزوه و درج مقاله در مطبوعات به مصرف رساند، تا مردم شیلی را مجاب کند که چنانچه «آئنده» و کمونیست‌ها به پیروزی دست یابند، میلیناریسم شوروی و خشونت کوبایی بر کشورشان حکمفرما خواهد شد.

سرانجام گرچه «سیا» توانست پس از کوشش فراوان «فری» را به ریاست جمهوری شیلی برساند، ولی این اقدامات چندان هم مخفی نماند و بسیاری از مسائل مربوط به مداخله «سیا» در انتخابات سال ۱۹۶۴ شیلی به بیرون درز کرد. به همین جهت موقعی که دوره انتخابات بعدی ریاست جمهوری شیلی در سال ۱۹۷۰ فرا رسید، «رغبت چندانی به دخالت همه‌جانبه در این انتخابات - مثل سال ۱۹۶۴ - از خود نشان نداد. با وجود تلاش‌های سسیا، آئنده توانست به خاطر ائتلاف چند حزب و البته بدون کسب اکثریت مطلق آرای مردم، از نامزدهای رقیب جلوتر بيفتد و بعد هم براساس قوانین شیلی قرار شد حدود هفت هفته بعد اعضای پارلمان کشور درباره انتخاب آئنده به ریاست جمهوری تصمیم بگیرند.

به دنبال این مسئله، کاخ سفید به «سیا» ماموریت داد تا به هر نحو شده از انتخاب آئنده توسط اعضای پارلمان جلوگیری کند و «سیا» نیز در اجرای این وظیفه چاره‌ای ندید جز آنکه مخالفان سیاسی آئنده را تقویت و با خود همراه کند، تا از این طریق بتواند بر رای پارلمان اثر بگذارد و با توسل به نوعی کودتای پارلمانی مانع انتخاب آئنده شود.

برای رسیدن به چنین هدفی، علاوه بر مطالب گوناگونی که در جراید انتشار یافت، «سیا» مخارج چاپ ۷۲۶ مقاله را به صورت‌های مختلف از قبیل: خبر، سرمقاله و این‌نوع دیگر در مطبوعات شیلی و جهان تقبل کرد و اثر بعضی از این مقالات هم چنان بود که در یک مورد چاپ مقاله سفارشی «سیا» در مجله تایم توانست موضع این مجله را نسبت به آئنده کاملا دگرگون سازد.

ولی این بار هم کوشش‌های «سیا» به نتیجه دلخواه نرسید و فقط به خاطر آن که سیاستمداران شیلی حاضر به نقض قانون اساسی نشدند، سرانجام آئنده توانست با رای پارلمان به مقام ریاست جمهوری دست یابد. البته قبل از آن، دولت آمریکا به عنوان مکمل عملیات «سیا» اقدام به وارد آوردن فشارهای اقتصادی بر شیلی کرده بود تا به این وسیله نیز راهی برای جلوگیری از انتخاب آئنده بگشاید ولی نتیجه چندانی از این کار به دست نیامد بود.

در اقدام دیگری نیز که تحت نظارت مستقیم «سیا» انجام گرفت، فرماندهان ارتش شیلی تشویق به انجام کودتا شدند، که نیکسون تصمیم به اجرای چنین کودتایی را حتی به مقامات آمریکایی در وزارت خارجه و دفاع، و نیز سفیر آمریکا در شیلی، خبر نداده بود. ولی این کودتا که بدون سازماندهی مرتب و برنامه‌ریزی دقیق در روز ۲۲ اکتبر ۱۹۷۰ (دو روز قبل از انتخاب آئنده از سوی پارلمان) به مرحله اجرا درآمد، به خاطر کشته شدن فرمانده ستاد ارتش شیلی ناکام ماند. از روز ۲ نوامبر ۱۹۷۰ که آئنده رسماً مقام ریاست جمهوری شیلی را به دست می‌گرفت، تا مدت سه سال «سیا» با داشتن اختیارات تام از سوی شورای امنیت ملی آمریکا مبلغ ۷ میلیون دلار به صورت محرمانه در شیلی برای تبلیغات علیه آئنده خرج کرد. نتیجه این اقدامات، همراه با سیاسی بر حکومت توسط ارگان‌های مختلف، کار را به جایی رساند که زمینه مناسب برای یک کودتای نظامی در شیلی فراهم شد و سرانجام هم در روز ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۳ با کودتایی که صورت گرفت آئنده به قتل رسید.

چرا ایران شیلی نشد؟!

آنچه ذکرش رفت تنها سه نمونه از مصادیق فراوانی است که مداخلات آمریکا در کشورهای دیگر را برای به قدرت رساندن وابستگان به غرب توسط سوپرگرم می‌شود. کشورهایی که هدف مداخلات آمریکا قرار می‌گیرند و توسط ایشان چند هواپیمای جنگنده و بمب‌افکن قدیمی (که در شرایط خرابان روزمرذ هدایت می‌شد) عملیات خود را برای سرنگونی «آرینز» آغاز کرد.

روز شروع عملیات (۱۸ ژوئن ۱۹۵۴) از یک ایستگاه رادیویی که توسط سیا دایر شده بود - و به عنوان سخنگوی شورشیان برنامه پخش می‌کرد - به مردم گواتمالا اطلاع داده شد که سرهنگ «آرماس» هم اکنون از هندوراس به طرف گواتمالا پورش آورده است و متعاقب آن نیز همین رادیو مرتب خبرهایی پخش کرد که حاکی از حمله ۵ هزار نفر به پایتخت گواتمالا بود.

در چنین موقعیتی یکی از هواپیمایا بمبی را به یک میدان رزه پرتاب کرد که هیچ تلفاتی به بار نیآورد و بعد از آن، در حالی که هنوز دو روز از این وقایع سپری نشده بود، و رادیویی متعلق به «سیا» دایم اخبار عیرواقعی راجع به حملات شورشیان و نزدیک شدنشان به پایتخت را پخش می‌کرد.

گوناگونی که مد در طول انقلاب از این چیزها هم کم نداشتیم، مهم این مجاهدت، راه را به ما نشان می‌دهد. بیانات در دیدار مردم قم در سالگرد قیام نوزدهم دی ماه ۱۳۸۱/۰۱/۹

مجاهدت به نفع انسان

در شرائط فتنه، کار دشوارتر است؛ تشخیص دشوارتر است. البته خدای متعال حجت را همیشه تمام می‌کند؛ و هیچ وقت نمی‌گذارد مردم از خدای متعال طلبکار باشند و بگویند تو حجت را برای ما تمام نکردی، راهنما نفرستادی، ما از این جهت گمراه شدیم، هر قرآن مگرر این معنا ذکر شده است. دست اشاره الهی همه جا قابل دیدن است؛ منتها چشم باز می‌خواهد، اما چشم را باز نکردیم، حال شوب اول ماه را نمی‌خواهیم دیده؛ اما هلال هست، باید چشم بیاز کنیم، باید نگاه کنیم، دقت کنیم، از همه امکاناتمان استفاده کنیم تا این حقیقت را که خدا در مقابل ما قرار داده است، ببینیم.

مهم این استست که انسان این مجاهدت را بکند. این مجاهدت به نفع خود انسان است؛ خدای متعال هم در این دستد قدرت دارد؛ اما این دستد قدرت الهی است؛ همان طور که امام در یک موقعیت فتنه‌آمیز می‌فرمودند: «حیثی که در آن، در حالی که هنوز دو روز از این وقایع سپری نشده بود، و رادیویی متعلق به «سیا» دایم اخبار عیرواقعی راجع به حملات شورشیان و نزدیک شدنشان به پایتخت را پخش می‌کرد.»

بیانست در دیدار مردم قم در سالگرد قیام نوزدهم دی ماه ۱۳۸۱/۰۱/۹

مهم این استست که انسان این مجاهدت را بکند. این مجاهدت به نفع خود انسان است؛ خدای متعال هم در این دستد قدرت دارد؛ اما این دستد قدرت الهی است؛ همان طور که امام در یک موقعیت فتنه‌آمیز می‌فرمودند: «حیثی که در آن، در حالی که هنوز دو روز از این وقایع سپری نشده بود، و رادیویی متعلق به «سیا» دایم اخبار عیرواقعی راجع به حملات شورشیان و نزدیک شدنشان به پایتخت را پخش می‌کرد.»

بیانست در دیدار مردم قم در سالگرد قیام نوزدهم دی ماه ۱۳۸۱/۰۱/۹

حجت بر همه تمام شد

یک تکنه را هم به جوانان عزیز انقلابی، به فرزندان عزیز انقلابی خودم، به فرزندان بسیجی - از زن و مرد - عرض بکنم: جوانان از اطراف و اکناف کشور، از آنچه که تهنگ بیگانگان از ایمان دینی به گوششان می‌خورد یا به چشمشان می‌بینند، عصبانی هستند؛ وقتی می‌بینند روز جوشم بازم می‌خواهد، یک عده‌ای حرمت عاشورا را هتک می‌کنند، حرمت امام حسین را هتک می‌کنند، حرمت عزاداران حسینی را هتک می‌کنند، دلهاشان به درد می‌آید، سینه‌هاشان پر میشوذ از خشم؛ البته خوب، طبیعی هم هست، حق هم دارند؛ ولی می‌خواهم عرض بکنم جوان‌های عزیز ما مراقب باشند، مواظب باشند که هر گونه کار بی‌رویه‌ای، کمک به دشمنان است. اینجا جوان‌ها تلفن می‌کنند - می‌فهمم من، می‌خوانم، غالباً تلفن‌ها و نامه‌ها را می‌خوانم می‌کنند، هر روز می‌آوردند، من نگاه می‌کنم - این حبس میوهی طور جوانانه‌گهمنند، ناراحت و عصبانی - گاهی هم از بنده نگه می‌کنند که

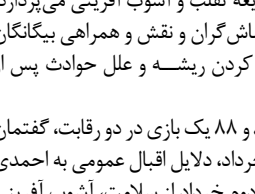
صفحه ۶
چهارشنبه ۹ دی ۱۳۹۴
۱۸ ربیع‌الاول ۱۴۳۷ - شماره ۲۱۴۲۴

کتاب شناسی فتنه

سال ۱۳۸۸ همراه بود با واقعه‌ای فراموش نشدنی که تلخی بعضی از اتفاقاتن شب‌برینی حضور گسترته مردم در انتخابات دهم ریاست‌جمهوری را کم رنگ کرد اما وقایع پس از فتنه‌ها و به خصوص راهپیمایی عاشوراییان در نیم دی ماه، سال ۸۸ را به نقطه عطفی برای تامل و تدبیر اتفاقات این سال و حواشی آن تبدیل کرد. در این راستا بود که اصحاب قلم برای روایت آن چه که در این سال بر ملک و ملت رفته بود همت کرده و فتنه را از زوایای گوناگون آن روایت کردند، گروهی زبان شاعر را برگزیدند و افرادی از زبان جامعه شناسی به تحلیل پرداختند و نویسندگان دیگری نیز به روایت دروغ بزرگ فتنه گران از اردوگاه دشمن پرداختند وروایتی که فتنه را هستند کرده و از فراموشی آیندگان دورنگه می‌دارد .

بی شک فتنه به عنوان جنایت و خیانت بزرگ هرگز نبایستی از یادها برود و حماسه ۹ دی هر چند نقطه پایانی بر فتنه گری فتنه‌گران بود ولی سالگرد این حماسه همواره می‌تواند پهنانه و دلپلی باشد برای یادآوری آن چه که در آن سال گذشت تا عده‌ای نتوانند با سوء استفاده از فراموشی بساط نفوذ خود را بگسترند و بر نامه‌های شوم خود را که در سال ۸۸ نتوانستند عملی سازند بازبان و بیانی دیگر پیش برند .

در این نوشتارن خواهیم کوشید به معرفی چندین کتاب از صدها نوشته‌ای که در رابطه با فتنه ۸۸ به بازار نشر تقدیم و تحویل شده است بپردازیم.



حوادث و وقایع بعد از انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری و عدم تمکین نامزدهای انتخاب شده به قانسون و رای مسرد در یک نگاه غلبه روح طائفوتی و زرساده خواهی را جلوه‌گر می‌کند، شایسته واکاوی و ریشه یابی دقیق‌تر است. کتاب «شورش اشرافیت بر جمهوریت» اثر حمید رضا اسماعیلی در ۲۹۶صفحه است که با نگاهی به گفتمان دوم خرداد و راهبردهای میرحسین موسوی در انتخابات، دلایل امریاد به احمدی نژاد را بررسی کرده و به تلاش‌های جبهه دوم خرداد برای دادن رن در بر شایعه تقلب و آشوب آفرینی می‌پردازد. نگارنده با موشکافی روش‌های اغتشاش‌گران و نقش و همراهی بیگانگان و اوبزسیسیون خارج‌شین به روشن کردن ریشه و علل حوادث پس از انتخابات همت گماشته است.

زمینه‌های ایدئولوژیک، انتخابات ۸۴ و ۸۸ یک بازی در دو رقابت، گفتمان موسوی و راهبرد انتخاباتی جبهه دوم خرداد، دلایل اقبال عمومی به احمدی نژاد، یازده دلیل مبنی بر آگاهی جبهه دوم خرداد از سلامت، آشوب آفرینی در دو دوره، رادیکالیسم سبز یا انقلاب رنگی، نقش و تلاش دولت‌های بیگانه و اوبزسیسیون رفتار شناسی بازیگران خارجی در انتخابات دهم ریاست جمهوری ایران، اثر رهبری در پیروزی ملت و شکست آناشیس مخملی تشکیک دهنده فصل‌های کتاب شورش اشرافیت بر جمهوریت است که آسیب‌شناسی و ریشه‌یابی حوادث پس از انتخابات سال۱۳۸۸ را بطور کامل و مستند پوشش می‌دهد.

حمید رضا اسماعیلی در مورد هدف خود از نگارش این اثر می‌نویسد: «فتنه ۸۸ موضوع بسیار مهمی در تاریخ سیاسی، اجتماعی و حتی تاریخ فرهنگی ایران بود. انتخابات دهم پیش از اینکه وارد آن حوادث پس از روز رای‌گیری شود، یک موضوع سیاسی بسیار مهم تلقی می‌شد. از انتهای سال ۸۷ زمینه‌های فکری در گروه‌های مختلف سیاسی برای حضور قلم در انتخابات وجود داشت. تحلیل‌ها و پیش‌بینی‌های بسیاری مبنی بر ادامه فرآیندها و تحولات سیاسی وجود داشت و همه منتظر بودند تا ببینند کدام جریان پیروز انتخابات خواهد بود، اما بعد از انتخابات حوادثی اتفاق افتاد که شاید هر چه بگذرد اهمیت آن بیشتر معلوم خواهد شد و تأثیرات این تحول در سال‌های آینده بیشتر خود را نشان خواهد داد.

یک جریان نخیه سیاسی ما که تمایلات غرب‌گرایانه دارد رفتاری را از خود نشان داد که می‌مقدار کمیاب بود. ما این رفتارها را بسیار کم دیدیم. بودیم آنها با سلفسفاها و توجیه‌های متفاوت بر برابر رای اکثریت ایستادند. ما در نسلی که از زمان مشروطه به عنوان منوالفکر، بعد روشنفکر و در آخر به عنوان نخیه سیاسی مطرح می‌شدند رفتاری را دیدیم که از شارهایی که قبلا داده بودند نام آزادی و... سر باز می‌زد. لذا ضرورت و اهمیت این مسئله جای تردید نداشت که این جریان باید به صورت مونشگانه بررسی شود. مخصوصاً اینکه این جریان کمتر بصورت تنوریک و عملی مورد بحث قرار می‌گرفت.»

نویسنده در بررسی هشت سال دولت اصلاحات، یکی از تاکتیک‌ها را دشمن‌سازی مطرح می‌کند و در تحلیل از این واژه و اینکه چگونه در دستور کار تجدیدنظرطلبی قرار گرفت، می‌نویسد: «ایدئولوژی تجدیدنظر طلب بیشتر رویکرد سیاسی داشت تا رویکرد اقتصادی و خود را در نفی دیگری تعریف می‌کرد. من از مفهوم اصلاحات به ایدئولوژی یاد کردم نه گفتمان! چون دقیقاً به عنوان نخیه سیاسی مطرح می‌شدند رفتاری را دیدیم که از شارهایی که قبلا داده بودند نام آزادی و... سر باز می‌زد. لذا ضرورت و اهمیت این مسئله جای تردید نداشت که این جریان باید به صورت مونشگانه بررسی شود. مخصوصاً اینکه این جریان کمتر بصورت تنوریک و عملی مورد بحث قرار می‌گرفت.»

نویسنده در بررسی هشت سال دولت اصلاحات، یکی از تاکتیک‌ها را دشمن‌سازی مطرح می‌کند و در تحلیل از این واژه و اینکه چگونه در دستور کار تجدیدنظرطلبی قرار گرفت، می‌نویسد: «ایدئولوژی تجدیدنظر طلب بیشتر رویکرد سیاسی داشت تا رویکرد اقتصادی و خود را در نفی دیگری تعریف می‌کرد. من از مفهوم اصلاحات به ایدئولوژی یاد کردم نه گفتمان! چون دقیقاً به عنوان نخیه سیاسی مطرح می‌شدند رفتاری را دیدیم که از شارهایی که قبلا داده بودند نام آزادی و... سر باز می‌زد. لذا ضرورت و اهمیت این مسئله جای تردید نداشت که این جریان باید به صورت مونشگانه بررسی شود. مخصوصاً اینکه این جریان کمتر بصورت تنوریک و عملی مورد بحث قرار می‌گرفت.»

نویسنده در بررسی هشت سال دولت اصلاحات، یکی از تاکتیک‌ها را دشمن‌سازی مطرح می‌کند و در تحلیل از این واژه و اینکه چگونه در دستور کار تجدیدنظرطلبی قرار گرفت، می‌نویسد: «ایدئولوژی تجدیدنظر طلب بیشتر رویکرد سیاسی داشت تا رویکرد اقتصادی و خود را در نفی دیگری تعریف می‌کرد. من از مفهوم اصلاحات به ایدئولوژی یاد کردم نه گفتمان! چون دقیقاً به عنوان نخیه سیاسی مطرح می‌شدند رفتاری را دیدیم که از شارهایی که قبلا داده بودند نام آزادی و... سر باز می‌زد. لذا ضرورت و اهمیت این مسئله جای تردید نداشت که این جریان باید به صورت مونشگانه بررسی شود. مخصوصاً اینکه این جریان کمتر بصورت تنوریک و عملی مورد بحث قرار می‌گرفت.»

نویسنده در بررسی هشت سال دولت اصلاحات، یکی از تاکتیک‌ها را دشمن‌سازی مطرح می‌کند و در تحلیل از این واژه و اینکه چگونه در دستور کار تجدیدنظرطلبی قرار گرفت، می‌نویسد: «ایدئولوژی تجدیدنظر طلب بیشتر رویکرد سیاسی داشت تا رویکرد اقتصادی و خود را در نفی دیگری تعریف می‌کرد. من از مفهوم اصلاحات به ایدئولوژی یاد کردم نه گفتمان! چون دقیقاً به عنوان نخیه سیاسی مطرح می‌شدند رفتاری را دیدیم که از شارهایی که قبلا داده بودند نام آزادی و... سر باز می‌زد. لذا ضرورت و اهمیت این مسئله جای تردید نداشت که این جریان باید به صورت مونشگانه بررسی شود. مخصوصاً اینکه این جریان کمتر بصورت تنوریک و عملی مورد بحث قرار می‌گرفت.»

نویسنده در بررسی هشت سال دولت اصلاحات، یکی از تاکتیک‌ها را دشمن‌سازی مطرح می‌کند و در تحلیل از این واژه و اینکه چگونه در دستور کار تجدیدنظرطلبی قرار گرفت، می‌نویسد: «ایدئولوژی تجدیدنظر طلب بیشتر رویکرد سیاسی داشت تا رویکرد اقتصادی و خود را در نفی دیگری تعریف می‌کرد. من از مفهوم اصلاحات به ایدئولوژی یاد کردم نه گفتمان! چون دقیقاً به عنوان نخیه سیاسی مطرح می‌شدند رفتاری را دیدیم که از شارهایی که قبلا داده بودند نام آزادی و... سر باز می‌زد. لذا ضرورت و اهمیت این مسئله جای تردید نداشت که این جریان باید به صورت مونشگانه بررسی شود. مخصوصاً اینکه این جریان کمتر بصورت تنوریک و عملی مورد بحث قرار می‌گرفت.»

نویسنده در بررسی هشت سال دولت اصلاحات، یکی از تاکتیک‌ها را دشمن‌سازی مطرح می‌کند و در تحلیل از این واژه و اینکه چگونه در دستور کار تجدیدنظرطلبی قرار گرفت، می‌نویسد: «ایدئولوژی تجدیدنظر طلب بیشتر رویکرد سیاسی داشت تا رویکرد اقتصادی و خود را در نفی دیگری تعریف می‌کرد. من از مفهوم اصلاحات به ایدئولوژی یاد کردم نه گفتمان! چون دقیقاً به عنوان نخیه سیاسی مطرح می‌شدند رفتاری را دیدیم که از شارهایی که قبلا داده بودند نام آزادی و... سر باز می‌زد. لذا ضرورت و اهمیت این مسئله جای تردید نداشت که این جریان باید به صورت مونشگانه بررسی شود. مخصوصاً اینکه این جریان کمتر بصورت تنوریک و عملی مورد بحث قرار می‌گرفت.»

نویسنده در بررسی هشت سال دولت اصلاحات، یکی از تاکتیک‌ها را دشمن‌سازی مطرح می‌کند و در تحلیل از این واژه و اینکه چگونه در دستور کار تجدیدنظرطلبی قرار گرفت، می‌نویسد: «ایدئولوژی تجدیدنظر طلب بیشتر رویکرد سیاسی داشت تا رویکرد اقتصادی و خود را در نفی دیگری تعریف می‌کرد. من از مفهوم اصلاحات به ایدئولوژی یاد کردم نه گفتمان! چون دقیقاً به عنوان نخیه سیاسی مطرح می‌شدند رفتاری را دیدیم که از شارهایی که قبلا داده بودند نام آزادی و... سر باز می‌زد. لذا ضرورت و اهمیت این مسئله جای تردید نداشت که این جریان باید به صورت مونشگانه بررسی شود. مخصوصاً اینکه این جریان کمتر بصورت تنوریک و عملی مورد بحث قرار می‌گرفت.»

نویسنده در بررسی هشت سال دولت اصلاحات، یکی از تاکتیک‌ها را دشمن‌سازی مطرح می‌کند و در تحلیل از این واژه و اینکه چگونه در دستور کار تجدیدنظرطلبی قرار گرفت، می‌نویسد: «ایدئولوژی تجدیدنظر طلب بیشتر رویکرد سیاسی داشت تا رویکرد اقتصادی و خود را در نفی دیگری تعریف می‌کرد. من از مفهوم اصلاحات به ایدئولوژی یاد کردم نه گفتمان! چون دقیقاً به عنوان نخیه سیاسی مطرح می‌شدند رفتاری را دیدیم که از شارهایی که قبلا داده بودند نام آزادی و... سر باز می‌زد. لذا ضرورت و اهمیت این مسئله جای تردید نداشت که این جریان باید به صورت مونشگانه بررسی شود. مخصوصاً اینکه این جریان کمتر بصورت تنوریک و عملی مورد بحث